

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه ناس (جله نهم)

نختم منقومی استاد اخوت ۱۳۹۴/۱/۲۹

برای سلامتی خودتان و برخورداری از هدایت و رحمت خداوند صلوات

برای این که خداوند ان شاءالله ملائکه رحمت را نازل کنند و حیات طیبه نصیب ما شود صلوات

وسواس، عارضه یا القائی است که بر صدر انسان، عارض یا القاء می شود و بر اثر آن تعادل فرد بهم می خورد. اگر فرد تعادل داشته باشد درست تشخیص می دهد و گرنه در تشخیص صدق و کذب، خیر و شر و... به اشتباه می افتد.

در مقابل وسواس، آن دسته از القائات یا القائیهایی که بر انسان وارد می شود و موجب تعادل و تشخیص درست او می گردد، ممکن است الهام باشد یا وحی.

تفاوت الهام و وحی در درونی و بیرونی بودن آن است، الهام یک ارتباط درونی و متکی بر فطرت است، وحی یک الهام بیرونی است که متکی به ارتباط با غیب است.

القاء: اگر درونی باشد، مولفه های درونی در آن موثر هستند مانند خاطرات. و اگر بیرونی باشد، غیبی است.

هر عاملی که موجب برانگیخته شدن القاء درونی و بیرونی (وسواس) می شود، اقتضاء آفرین، اسباب و علل است مانند مکروهات، مجالس لهو، بیهوده گویی، هم نشینی با کفار و...

اقتضائات وسوسه، عوامل و اسباب بر اثر تلفیق سه عنصر بوجود می آید:

۱. صفات انسان:

- طبیعی: صفاتی مانند هلوع، جزوع، کفور و... که خداوند در قرآن به انسان نسبت داده است.

- بعد از مراتب رشد: یا برخوردار از رشد است که صفات حسنه تبلور می کند.

خود طی کردن رشد، اقتضائات و سوسه ایجاد می کند.

- ماندگار در مراتب رشد، صفات سیئه؛

صفات انسان اولین اقتضاء آفرین در و سوسه است.

۲. انواع مواجهه

۳. بستر زندگی

میل به ماندگاری در یک وضعیت و طمع زیاد برای پیمودن و رفتن و رسیدن به وضعیت های دیگر.

در و سوسه بحث دنیا خیلی مهم است.

اگر انسان توسط سه عامل بالا تسویه نشود و به تعادل نرسد، و سوسه بر او عارض می شود.

لازمه سیر و صیر انسان و سوسه و الهام است.

صفات انسان :

- صفات همراه با خلق انسان

- صفات مواجهه ای، با «اذا» می آید مثل «اذا مسه الضر»

- صفات ملکی / خوئی، با «کان» و «ان» می آید مثل «ظلوم جهول»

- صفات رشد مثبت و منفی، مانند «محسنین»، «فجار». از این صفات انسان بهشتی و جهنمی می شود و این

البته در حیظه تکلیف است.

کارکرد صفات انسان:

- صفات همراه با خلق: منزوجیت و ضرورت مراقبه همیشگی

- صفات مواجهه ای: ضرورت رسیدن به اعتدال، قسط، تسویه، مراقبه در اعتدال

- صفات ملکی: عدم / ملکه. یعنی با بیان جای خالی، جای پر مشخص می شود و با ضدیت اش شناخته

می شود. وظیفه انسان شناخت صفات به وسیله به ازداد آنهاست و البته در انسان یک نیاز بوجود می -

آورد و به سمت بی نیاز و بی نیازی حرکت می کند.

صفات ملکی و خوئی یک نظام آموزشی و علمی در شناخت و معرفت انسان ایجاد می کند.

وسواس خناس فی صدور:

فرآیند اثر وسوسه به وسیله اقتضائات خناسیت است.

خناسیت: تاخیر و پنهان بودن

نوعاً یکی از ویژگی‌های وسوسه، پنهان بودن است و پایه اصلی وسوسه روی زمان است زیرا در بستر زندگی بحث زمان و اجل خیلی مهم است. به موقع تشخیص نیافتن صفتی، به موقع طی نشدن مرحله‌ای، به موقع راه نیافتن به مرتبه-ای، به موقع انجام نشدن کاری، به موقع شکل نگرفتن باوری و...

وسوسه در سیستم فرد تاخیر دو مکانیزم ایجاد می‌کند، کندی پیش می‌آورد روی کاری که باید انجام شود و عجله روی کاری که نباید انجام شود و اینجا بحث عدم تسویه است.

مشکل انسان این است که در مواجهه، باید علم آن را در زمان قبل ذخیره می‌کرده است. این که می‌گویند تقوا را ذخیره کنید یعنی هر لحظه انسان همانند زمان مرگ و قیامت است و انسان همیشه عقب است از آن چیزی که باید داشته باشد و همیشه در حسرت است.

بزرگترین اتفاقی که برای انسان می‌افتد، تاخیر در انجام کار و بحث نشناختن زمان است.

درمان تاخیر در کار:

- اولویت بندی
- حواس پرت نشدن
- واعظ درونی

کسانی که زیاد صحبت می‌کنند نمی‌توانند از واعظ درونی بهره ببرند.

«پنهان» مقدمه وسواس، «اقتضائات» لازمه وسواس و «تاخیر» نتیجه وسواس است و این گونه می‌شود که وسوسه به وسیله عوامل پنهانی در صفات منجر به تاخیر در کاری یا شکل نگرفتن باوری و راه نیافتن به مرحله‌ای می‌شود. یکی از راه‌های مقابله با وسوسه‌ها، خارج کردن عوامل پنهان (صفت، مواجهه، بستر)، از پنهان به آشکار است.

راه گریز از وسوسه، پرهیز از عجله، کندی در امور، عجله و کندی در تصمیمات و رسیدن به تعادل بر مبنای حجت درونی (عقل) و حجت بیرونی (رسول) است.

تسویه بین حجت درونی و بیرونی، عامل اصلی در الهام است. هر چیزی که بین این دو حجت فاصله بیندازد عامل پنهانی وسوسه می‌شود ولو این که کار خیر باشد.

برای ایجاد تعادل در صفت، باید اقتضائات رشد را فراهم کرد و برای ایجاد تعادل در حال، باید بین خود و حجت درونی و بیرونی انطباق برقرار گردد.

انسان مکلف، بالغ و مخیر است و نیاز به حجت درونی دارد و باید قدرت انطباق حجت درونی و بیرونی را داشته باشد.

همه انسان‌ها در هر مرتبه‌ای در معرض وسوسه هستند اما، همه انسان‌ها متأثر از وسوسه نیستند.

یکی از راه‌های دوری از وسوسه مرتبه شناسی و مرحله شناسی است. این که هر فردی مراتب رشد خود را بشناسد و این گونه است که وسوسه در هر مرتبه‌ای به یک شکلی است.

مراتب وسوسه در مراحل رشد:

۱. خبیثات: حرام و محرمات.

۲. خیر و شر: وسوسه این گونه است که به ضرورت خیلی از کارها و تصمیمات نمی‌رسد. و مرحله دوم این است که ضرورت کار و تصمیم را می‌فهمد اما به دلیل عدم برنامه‌ریزی، کارها فوت یا کند می‌شود. در این مرحله سرعت در خیرات ندارد و مبتلا به شرور می‌شود و راه حل آن تفکر، تعقل، بالابردن قدرت تفضیل، ترجیح و فهم ملاک‌ها است.

همه ما باید دعا کنیم تا کارهایی را که برایمان ضرورت دارند را تشخیص بدهیم و در مرحله بعدی نیز به آن‌ها عمل کنیم.

۳. جلوه‌ها، زینت‌ها، هنرنمایی، لحن، ادبیات

اغلب آدم‌ها به مرور لحن پیدا می‌کنند و خاصیت القائی دارد و رفتارها جلوه می‌گیرد و جلوه غیر رفتار است.

جلوه و زینت محل بروز، عداوت و دشمنی و القائات ابلیس است و اغلب اختلافات در جمع‌ها از این ناحیه است.

در روانشناسی به جلوه، زبان بدن می‌گویند.

خیلی از القائاتی که در ناحیه پنهان است بالاخص در خانواده‌ها، در این لایه است و خیلی اوقات جلوه کارها خوب نیست و علم به جلوه‌ها و زینت‌ها می‌تواند ما را از وسوسه دور کند.

برای اصلاح کردن لحن و ادبیات، فرد باید خود را مشاهده کند.

۴. ایمان: بحث عواطف است و وسوسه‌ها روی توجهات، عواطف، دوست‌داشتن‌ها، گرایش‌ها است.

وسوسه روی عواطف تاثیر می‌گذارد و تبدیل به بعض و کینه می‌کند. انبیاء ازین ناحیه عبور کرده‌اند.

خیلی از افراد در این لایه دچار وسوسه هستند مثلا با جمعی انس دارند و با جمع دیگری انس ندارند.

جنس ایمان اعتماد است مانند جنس کار کودکان نسبت به والدین که از ایمان است و این اتفاق برای ما هم می‌افتد و علقه می‌شود و تبدیل به عمل می‌شود و انسان در این مرحله گیر می‌کند مثلا فقط به یک جا یا یک اتفاق می‌کند، به این گونه حزب تشکیل می‌شود و...

مجموعه تعلقاتی که انسان به آدم‌ها، رهبرها، حزب‌ها و... پیدا می‌کند قابل وسوسه است در صورتیکه به حجت درونی و حجت بیرونی متصل نباشد.

اگر جمعی شکل گرفت و به هم علقه پیدا کردند باید بدانند که ممکن است **علم و** گروهی بالاتر از آنها باشد و همیشه باید حجت بیرونی و حجت درونی فعال باشد تا اصلاح شود.

۵. مسئولیت‌ها (بالاترین مرتبه وسوسه): «لم تقولون ما لا تفعلون یعنی انطباق قول و فعل

صدق یعنی انطباق قول و فعل با حق».

وسوسه‌های این دوره:

۱. نابجا مسئولیت (توجهات) قبول کردن که منجر می‌شود خود آن محل وسوسه شود.

سرّ مصونیت از وسوسه در هر حالتی وظیفه‌شناسی، نیازشناسی، ارتقاء نیازشناسی، محتوای نیاز-

شناسی (خیر، حسن، ایمان، صدق) است.

۲. مسئولیت قبول نکردن به دلیل سختی‌های مسئولیت؛ در جامعه اصل وسوسه‌ها به این دلیل اتفاق می‌افتد.

۳. عدم تعهد به مسئولیت‌ها به دلیل انواع غفلت؛ فرد حواس پرتی و عدم تمرکز پیدا می‌کند. در دوره پنجم اغلب وسوسه‌ها حالت بیرونی پیدا می‌کند و حتی آنهایی که درونی است یک نماد بیرونی هم دارد. حتی جن و انس را با هم متحد می‌کند برای شکستن مسئولیت‌های خطیر.

عده و عده‌ها (امکانات و نیروها)؛ ابلیس و جنودش (هم انسانی هم جنی هستند) در مرحله پنجم بیشترین عملیات را انجام می‌دهند چون خود این قسمت در ناحیه صدق و کذب می‌خواهد طرف به کذب بیافتد.

شباهت این مرحله با بهشت برزخی زیاد است زیرا بحث صدق و کذب است. (عهد/قسم)
۶. ساختار، جریان، نظام؛ نداشتن نظام، جریان و ساختار حق و اختلال در آن و ساختار باطل آسیب‌های این مرحله است.

دریچه‌های ورود وسوسه در مراتب انسان:

- ولایت : ساختارهای نادرست، ترور شخصیت، انزوا شخصیت‌های حقیقی، بدعت‌ها، نوآوری‌ها، جریان‌سازی‌های شیطانی
- کذب
- کفر
- سیئات
- شرور
- خبیثات

برای برون رفت از وسوسه‌ها

۱. مطالعه در تشخیص انواع وظایف و نیازها

۲. شناخت انواع دشمنی‌های ابلیس و شیطان و شیوه‌های عملیات او (درونی و بیرونی) در مراحل مختلف رشد مانند قرآن خواندن در خانه به ویژه سور مسبحات و جن ، مجالس اهل بیت (علیه السلام) در خانه.

۳. تقویت اراده/ عزم در طلب خیر و انجام خیر(دور شدن از عجله و کندی، با تانی بودن درعین حال سریع و چابک بودن)

۴. اهمیت زمان را درک کردن، برنامه‌ها را منظم و زمان‌بندی شده انجام دادن، قدرت لحظات را دانستن، در لحظات زندگی کردن، در آینده و گذشته نبودن.

یکی از شاه کلیدهای بحث وسوسه در علم است و به همین خاطر علامه مصطفوی می‌فرماید که وسوسه القائی است که یقین را از انسان زائل می‌کند.

انشاءالله به برکت سوره مبارکه ناس و فلق علم حقیقی در درون ما جاری شود و از وسوسه‌ها خارج شویم. دعا می‌کنیم تا جلسات ما نورانی شود و از اختلالات و وسوسه‌ها مصون باشد.. به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات